

«مقاله پژوهشی»

تأثیر کیفیت حکمرانی خوب و درآمد بر شادی در کشورهای منتخب

یداله دادگر^۱، حجت ایزدخواستی^۲، سید محمد سیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

چکیده

تغییر مبانی نظری که در حوزه اقتصاد رفاه شکل گرفته است، به دلیل تکامل اقتصاد در طول زمان سبب شده است تا شادی در چند دهه اخیر به عنوان یک شاخص مهم برای اندازه‌گیری رفاه در سطح فردی و جامعه در کنار سایر پراکسی‌های اولیه مانند ثروت، مصرف، تولید ناخالص داخلی و غیره در نظر گرفته شود و مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد؛ به طوری که آن‌ها به بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر شادی پرداخته‌اند. یک عامل مبهم و اثرگذار بر شادی حکومت‌های موجود در کشور است، زیرا حکومت از دو کانال در گسترش شادی نقش دارند؛ مجرا مستقیم و غیر مستقیم. بنابراین، بررسی و تأثیر نقش حکمرانی در افزایش شادی مهم است. مطالعه حاضر برای بررسی تأثیر حکمرانی بر بهبود شادی از روش داده‌های تابلویی استفاده کرده است. شش شاخص حکمرانی کافمن برای سنجش حکمرانی ۱۱۲ کشور در بازه زمانی (۲۰۱۹-۲۰۰۶) در نظر گرفته شده است. این شش شاخص به دو زیر شاخص کیفیت تکنیکال و کیفیت دمکراتیک تقسیم و در سه معادله مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین نمونه مورد تحقیق به دو گروه کشور تبدیل شده و اثر حکمرانی در گسترش شادی به طور دقیق‌تر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. متغیر درآمد به همراه دو متغیر کنترلی هزینه‌های دولت و شاخص فلاکت به تابع اضافه شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین بهبود حکمرانی و افزایش درآمد با گسترش شادی است. اثربخشی کیفیت حکمرانی در راستای افزایش شادی نسبت به بعد کیفیت دمکراسی آن قابل توجه است. این نتیجه در نمونه کل کشورها و ثروتمند و فقیر قابل تأیید است و

۱. استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: y_dadgar@sbu.ac.ir

۲. استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه بهشتی، تهران، ایران
Email: h_izadkhasti@sbu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه بهشتی، تهران، ایران
Email: s.seyedi@mail.sbu.ac.ir

اثر آن در کشورهای فقیر در مقایسه با ثروتمند بیشتر است. درآمد در گسترش شادی یک اثرگذاری مستقیم قابل توجه دارد. ضریب درآمد در هر سه گروه مثبت و برای نمونه فقیر نسبت به ثروتمند بیشتر است. دو متغیر کنترلی یعنی هزینه‌های دولت و شاخص فلاکت در کل کشورها به ترتیب رابطه مثبت و منفی با شادی دارند. رابطه موجود برای کشورهای ثروتمند برقرار است، اما ضریب هزینه‌های دولت در کشورهای فقیر منفی است. بر این اساس می‌توان بیان کرد دولت‌ها از طریق بهبود کیفیت حکمرانی و کاهش شاخص فلاکت در اقتصاد در گسترش سطح شادی در جامعه نقش قابل توجه و غیر قابل انکاری دارند. همچنین نباید اهمیت نقش افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی نیز نادیده گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: شادی، حکمرانی، کیفیت تکنیکال، کیفیت دمکراتیک، درآمد

طبقه‌بندی JEL: C23, I38, I30

1. مقدمه

علم اقتصاد همانند سایر علوم هر روزه تحولات گسترده‌ای را تجربه و در طول زمان تکامل می‌یابد. یکی از تحولات علم اقتصاد در حوزه ارزیابی 85

بی رفاه اتفاق افتاده است. ابتدا برای ارزیابی رفاه در سطح فردی از ثروت، مصرف و دارایی؛ در سطح اجتماعی از تولید ناخالص داخلی، رشد و مصرف کل استفاده می‌شد. به عبارت دیگر درآمد نقش کلیدی در رفاه داشت. امروزه علاوه بر معیارهای ذکر شده شاخص‌های مانند کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و شادی نیز به عنوان معیارهای رفاه استفاده می‌شوند. در حال حاضر، شادی یک شاخص مهم برای اندازه‌گیری رفاه در سطح خرد و کلان محسوب می‌شود. تغییرات در این حوزه علم اقتصاد تنها مورد توجه اقتصاددانان نبوده و حتی نظر سیاست‌مداران و دولت‌مردان را نیز به خود جلب کرده است. از سال 2012 به بعد گزارش‌های مربوط به رتبه بندی شادی کشورها توسط سازمان ملل تهیه و انتشار می‌یابد. کشور فنلاند در سال 2019 با متوسط سطح شادی 7/89 در بین 153 کشور رتبه اول را به خود اختصاص داده است (هلی ویل و همکاران¹، 2020). بنابراین، تغییرات نظری حوزه اقتصاد رفاه سبب توجه بیشتر به شاخص شادی شده است، کار استرلین² در سال 1974 را باید آغاز ورود شادی به مباحث اقتصادی دانست. استرلین نشان داد علی‌رغم رشد اقتصادی ایالت متحده آمریکا در یک بازه 20 ساله، سطح شادی مردم افزایش قابل توجه نداشته است. با ورود شادی به حوزه اقتصاد، پژوهش‌های گسترده‌ای در این حوزه صورت گرفته است که منجر به تقسیم ادبیات شادی به دو بخش شد؛ بخش اول، به بررسی عوامل تعیین‌کننده شادی در سطح فردی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر شادی در سطح فردی برای اکثر موارد مشابه هستند. بخش دوم، ادبیات نظری شادی به تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده شادی در سطح کشورها پرداخته است. بر خلاف تحقیقات در سطح فردی عوامل موثر بر شادی در سطح کشور برای اغلب موارد یکسان نیست (بروژسنو و همکاران³، 2006)، به همین دلیل اقتصاددانان به بررسی تأثیر و

1. Helliwell et. al

2. Easterlin

3. Bjørnskov et. al

رابطه متغیرهای اقتصادی با شادی در سطح کشورها پرداخته‌اند. برخی مطالعات اثر متغیر-های اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی، تورم، بیکاری و اندازه دولت بر شادی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

اثرگذاری حکومت‌ها بر گسترش سطح شادی در جامعه یک عامل مبهم و مورد توجه اقتصاددانان است و اثرپذیری ابعاد مختلف جامعه مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سلامت و غیره از عملکرد حکومت غیر قابل اجتناب است، که تغییرات در هر بعد می‌تواند با تغییرات در سطح شادی جامعه همراه شود. فرض کنید دولت با هدف رشد اقتصادی؛ سیاست پولی انبساطی را اجرا کند. اگر اتخاذ این سیاست به درستی صورت نگیرد با تورم شدید همراه خواهد بود، زیرا عرضه پول یک عامل مهم در افزایش تورم است، یا افزایش بدهی‌های خارجی دولت در بلندمدت با کاهش رشد اقتصادی همراه خواهد بود (ژیلائی اقدام و همکاران، 98). در نهایت، این اقدامات دولت می‌تواند سبب کاهش شادی در سطح جامعه شود. بنابراین، تأثیرپذیری همه بخش‌های جامعه از عملکرد دولت و اثر هر یک از آن‌ها در گسترش شادی در سطح جامعه انکار ناپذیر است. بنابراین می‌توان اظهار داشت دامنه تأثیرگذاری حکومت بر شادی زیاد است زیرا هم به طور مستقیم، سیاست حکومت در افزایش سطح شادی در بین مردم و جامعه، و هم به طور غیر مستقیم، تأثیرگذاری تصمیمات دولت بر سایر بخش‌ها، در گسترش شادی نقش دارند. در نتیجه نقش چگونگی حکمرانی بسیار کلیدی است؛ زیرا حکمرانی خوب می‌تواند سبب بهبود ابعاد مختلف جامعه شود، مثلاً به رشد اقتصادی بیشتر بیانجامد که آن هم بر رفاه و شادی اثرگذار است. البته تأثیرگذاری ابعاد مختلف بر شادی یک طرف نیست بلکه یک رابطه متقابل بین وضعیت شادی جامعه و سایر ابعاد اجتماع وجود دارد. به عنوان مثال، شادی بالاتر بهبود وضعیت اقتصادی را به همراه دارد و موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. زیرا شادی بالاتر، کارایی افراد در جامعه را افزایش و به دنبال این افزایش تولید بیشتر می‌شود (اوت¹، 2009). به عبارت دیگر، نه تنها بهبود وضعیت اقتصادی باعث افزایش شادی در جامعه می-

1. Ott

شود؛ بلکه شادی بالاتر بهبود وضعیت اقتصادی را به همراه دارد. بنابراین بررسی تأثیر نقش دولت‌ها در بهبود و گسترش شادی در سطح جامعه حائز اهمیت است. پژوهش‌های اندکی در حوزه شادی در ایران انجام شده که بیشتر تأثیر دو متغیر تورم و بیکاری بر شادی را مورد بررسی قرار داده‌اند، ایران در سال 2019 در رتبه بندی جهانی شادی در جایگاه 118 قرار دارد که بسیار مشکل آفرین است. بر این اساس، در این مقاله به بررسی نقش حکمرانی و دولت در کنار درآمد در ایجاد شادی پرداخته است. برای ارزیابی عملکرد دولت از شاخص‌های آزادی اقتصادی، دموکراسی و شاخص‌های حکمرانی استفاده می‌شود. در این کار شاخص حکمرانی کافمن به عنوان پراکسی کیفیت و عملکرد دولت‌ها در نظر گرفته شده است. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش بررسی نحوه و میزان تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی بر شادی (در کنار درآمد) با روش داده-های تابلویی است، تا نقش و عملکرد حکومت‌ها بر بهبود شادی در 112 کشور منتخب در دوره زمانی (2006-2019) مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، تأثیر کیفیت حکمرانی با تأثیر درآمد بر شادی نیز مقایسه خواهد شد. در بخش دوم، مبانی نظری و پیشینه تحقیق مرور می‌شود. بخش سوم، به متدولوژی، معرفی مدل و داده‌ها اختصاص دارد. برآورد الگو و تحلیل یافته‌های پژوهش در بخش چهارم ارائه شده است. در نهایت، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

2. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

2-1. ادبیات نظری

گستره پژوهش‌های شادی در اقتصاد و تعداد مقالات منتشر یافته مربوط به شادی در مجلات اقتصادی از اوایل دهه 1990 روند فزاینده‌ای داشته است. با انتشار پژوهش استرلین (1974) اقتصاددان و جامعه‌شناس آمریکایی شادی در بین اقتصاددانان مطرح شد. در سال‌های 2001-2005 بیش از 100 مقاله (کانمن و کروگیر¹، 2006)، در سال‌های 2008-2005، 173 مقاله (کلارک و همکاران²، 2008) و در نهایت تا سال 2014 بیش از 3000

1. Kahneman and Krueger

2. Clark et. al

مقاله در مجلات اقتصادی به چاپ رسیده است (دبانث و شانکار¹، 2014). ونهون² در سال 2004 پایگاه جهانی شادی را ایجاد کرده است. با توجه به اینکه شادی امری ذهنی است، به کمک نظرسنجی های مختلف و پرسش های متفاوت به اندازه گیری آن پرداخته می شود. داده های رفاه ذهنی توسط سازمان ها و مراکز آماری مختلف مانند بانک جهانی، سازمان ملل، پایگاه جهانی شادی و غیره با استفاده از نظرسنجی های گسترده جمع آوری می شود. در این راستا، می توان به نظرسنجی عمومی اجتماعی³ در آمریکا، نظرسنجی اقتصادی و اجتماعی آلمان⁴ که تنها برای کشورهای خاصی صورت می گیرد و نظرسنجی های که طیفی وسیعی از کشورها را شامل می شوند، مانند ارزش های جهانی⁵، نظرسنجی جهانی گلاپ⁶ یا نظرسنجی یوروبارمتر⁷ اشاره کرد. فرمت مورد استفاده برای جمع آوری داده های رفاه ذهنی در بیشتر نظرسنجی ها مشترک و تنها نحوه ارزیابی در آن ها متفاوت است. برخی نظرسنجی ها دیدگاه کیفی و تعدادی مبنای کمی را برای رتبه بندی رفاه ذهنی و شادی اتخاذ کرده اند. به طور مثال، نظرسنجی عمومی اجتماعی یک مقیاس کیفی سه گانه برای شادی استفاده می کند. این نظر سنجی از سوال زیر استفاده می کند: "همه چیز را در نظر بگیرید، شما این روزها را چه طور ارزیابی می کنید؛ آیا شما خیلی شاد - نسبتاً شاد - نه زیاد شاد هستید؟" نظرسنجی ها علاوه بر اینکه آمار شادی را منتشر می کنند، تلاش بر انتشار اطلاعات دیگر از جمله ویژگی های اجتماعی - جغرافیایی (به طور خاص جنسیت، سن، اندازه خانواده، وضعیت تاهل و شغل، میزان تحصیلات، درآمد) را دارند. به دلیل اینکه داده های شادی به صورت نظرسنجی جمع آوری می شوند، بنابراین، فری و استاتزر⁸ (2002) نشان دادند که داده های شادی دارای سازگاری، اعتبار، اطمینان و ثبات بالا هستند. بنابراین، داده ها و اندازه گیری های مربوط به رفاه و شادی خود گزارش

-
1. Debnath, & Shankar
 2. Veenhoven
 3. General Social Survey
 4. Panel German Socio-Economic
 5. the World Values Surveys
 6. World Gallup poll
 7. Eurobarometer Surveys
 8. Frey and Stutzer

شده می‌تواند به عنوان تخمین تجربی معتبر و قابل اعتماد در خصوص مطلوبیت فردی در نظر گرفته شود.

در گذشته برای ارزیابی رفاه در سطح جامعه از شاخص‌های عینی همانند تولید ناخالص داخلی (GDP) هر کشور استفاده می‌شد و با افزایش تولید ناخالص داخلی انتظار بر این بود که رفاه افراد بیشتر شود. سپس به منظور بررسی دقیق‌تر، درآمد سرانه به همراه فقر مورد توجه قرار گرفت. با این استدلال که درآمد سرانه مصرف را افزایش می‌دهد و مصرف بیشتر مطلوبیت بالاتر را به همراه دارد که نماد رفاه است، با تکامل علم اقتصاد و در نظر گرفتن تجارب کشورهای مختلف حمایت کمتری از این دیدگاه صورت گرفت؛ به این دلیل که تولید ناخالص داخلی و سرانه همه ابعاد رفاه را شامل نمی‌شود. در نتیجه، برای اندازه‌گیری بهتر و دقیق‌تر میزان رفاه، پژوهشگران به شاخص‌های ذهنی مانند کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و شادی توجه کردند. از طرف دیگر، شاخص‌های آزادی اقتصادی، دموکراسی و شاخص‌های حکمرانی از جمله معیارهای سنجش و عملکرد نهادها محسوب می‌شوند. محققین به کمک این شاخص‌ها به تجزیه و تحلیل عملکرد نهادها بر ابعاد مختلف جامعه از جمله بررسی نقش و عملکرد نهادها در بهبود شادی پرداخته‌اند. ارتباط بین نهادها و شادی از دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم قابل بررسی است: در مسیر مستقیم، افراد در چهارچوب حکمرانی خوب شادتر هستند. مطالعات در این زمینه نیز تصدیقی بر این مسئله دارند، یعنی اثربخشی مستقیم نهادها در گسترش شادی در سطح جامعه هستند (هیدی و ویرینگ¹، 1992، فری و استاتزر²، 2000، درن و همکاران³، 2007). آن‌ها در مطالعات جداگانه برای کشورهای مختلف ثابت کردند که دموکراسی موجود در کشورها و ساختار فدرالی دولت‌ها در شادی بیشتر شهروندان مشارکت دارند. نتایج پژوهش‌های آن‌ها بیان‌کننده رابطه مستقیم بین دموکراسی و رفاه ذهنی است. همچنین نشان می‌دهند که سطح بالاتری از دموکراسی شادی مردم را افزایش می‌دهد، عوامل نهادی در افزایش شادی کشورها نقش موثر دارند به طور خاص در مراحل اولیه تحول

1. Headey and Wearing.

2. Frey & Stutzer

3. Dorn et al.

اقتصادی و سیاسی میزان آزادی سیاسی تأثیر قابل توجه بر شادی دارد (هایو¹، 2007، بژورسنو و همکاران²، 2010). هلی ویل و هوانگ³ (2008)، اوت⁴ (2009 و 2010) و هوانگ⁵ (2016) نشان دادند که حکمرانی بر شادی اثر مثبت دارد و آن‌ها نتیجه گرفتند که حکومت‌ها با بهبود حکمرانی می‌تواند شادی را در جامعه افزایش دهند. وو⁶ (2018) نشان می‌دهد که حکمرانی خوب سطح شادی را فقط در کشورهای با درآمد بالا افزایش می‌دهد. در مسیر غیر مستقیم، نهادها بر سایر بخش‌های جامعه تأثیر گذار هستند و بهبود در هر یک از این ابعاد به طور مستقیم بر شادی تأثیر دارد. دو متغیر اقتصادی تورم و بیکاری کانال‌های تأثیر گذار بر شادی و تأثیر پذیر از حکمرانی هستند. در بین عوامل اقتصادی تأثیر گذار بر شادی پیامد افزایش تورم و بیکاری کاهش شادی است (کلارک و اسوالد⁷، 1994، اسوالد، 1997، بولو همکاران⁸ (2009)، و بلانچفلورو همکاران⁹، 2013). مطالعات مختلف نشان می‌دهند که بیکاری تأثیر منفی بر شادی دارد (دی تلاو و مک کل¹⁰، 2000، اچسن و ولش¹¹، 2011 و لوهمان و همکاران¹²، 2012). اثر بیکاری بر کاهش شادی در سطح جامعه نسبت به تورم بسیار قابل توجه است، زیرا علاوه بر اینکه سطح درآمد در هر دو وضعیت کاهش می‌یابد، اما بیکاری با آثار منفی روانی همراه است که این پیامدها در زمان افزایش تورم وجود ندارند یا در مقایسه با بیکاری بسیار ناچیز هستند. بنابراین، مسئله بیکاری نه تنها به خاطر از دست دادن درآمد ناشی از بیکاری تأثیر منفی بر شادی دارد بلکه اثرات غیرمالي مانند پیامدهای روانی و اجتماعی به خاطر از دست دادن شغل نیز رابطه منفی با رفاه ذهنی و شادی دارد (اسوالد، 1997، هلی ویل و هوانگ، 2014 و اردگی و مونیر¹³، 2019). مطالعات و نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

1. Hayo
2. Bjørnskov et al.
3. Helliwell & Huang
4. Ott
5. Huang
6. Woo
7. Clark & Oswald
8. Bolle et al.
9. Blanchflower et. al
10. Di Tella & MacCulloch
11. Ohsen and Welsch
12. Luhmann et al
13. Ouadighi and Munier

بر این باورند که حکمرانی بایستی برای تحقق برنامه‌های توسعه است. تحقیقات در حوزه مدیریت دولتی و انتخاب بهترین چهارچوب حاکمیتی از دهه 1990 شروع شد. بیشترین تحقیقات در این زمینه توسط بانک جهانی صورت می‌گیرد. بانک جهانی در گزارش سال 1997 نه تنها به نقش تعیین کننده دولت در تغییر و تحولات اقتصادی پرداخته بود بلکه دامنه بحث‌های نظری در مورد کارکرد دولت در سطح جهانی را نیز توسعه داد. پژوهش‌ها مختلف و بررسی‌های بانک جهانی در مورد کشورهایی در حال توسعه و کمتر توسعه یافته نشان می‌دهد که حکمرانی و نوع مدیریت حکومت در کشورها یک عامل موثر در کنترل بیکاری و تورم است. به طور کلی بانک جهانی حکمرانی را راهبرد توسعه در اکثر این کشورها می‌داند (ساین¹، 1986، کلیراجان²، 1992، روی و سامانتا³، 2010، علی و ساسی⁴، 2016 و ساسی و قاسمی⁵، 2017).

مسئله تأثیر تولید ناخالص داخلی بر شادی به یافته‌های استرلین متکی است و نتایج یک تناقض را نشان می‌دهد. بر این اساس، در کشوری در زمان معین، ثروتمندترین افراد به طور متوسط شادتر هستند، اما با گذشت زمان وقتی همه ثروتمند می‌شوند مردم شادتر نمی‌شوند. به بیان دیگر، در دیدگاه ایستا درآمد بیشتر افراد را شادتر می‌سازد، اما در چارچوب پویا هیچ ارتباطی بین شادی و درآمد وجود ندارد (استرلین، 1974، 2013). مطالعات دیگر نیز نتیجه کار استرلین را تأیید کرده‌اند (دینر و همکاران، 1999، ونهون 1993 و راوالین و لکسین⁶ 2000). مطالعه مشابه دیگر توسط کنی⁷ (1999) انجام شده است و نتایج آن نشان می‌دهد که سطح شادی در ژاپن بین سال‌های 1958-1988 تقریباً ثابت بوده است، در حالی که تولید ناخالص داخلی سرانه در آن دوره پنج برابر شده است. استرلین و همکاران (2010) داده‌های شادی چند کشور آسیایی مانند چین و کره جنوبی را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نتایج آن‌ها بیانگر این است که درآمد سرانه طی بیست سال دو

1. Sinn

2. Kalirajan

3. Roy and Samanta

4. Ali and Sassi

5. Gasmí

6. Ravallion and Lokshin.

7. Kenny

برابر شده است، اما داده ها کاهش در رضایت از زندگی را نشان می دهند. به طور خاص در کره جنوبی کاهش قابل توجه مشاهده شده است. اینگلهارت¹ و بلانچفلور و اسوالد² اعتقاد دارند که متوسط درآمد بالاتر مردم را شادتر می سازد (دبناث و شانکار، 2014). مطالعات دیگر نیز این موضوع را تأیید می کنند (فری و استوتزر، 2002، دی تلا و و دی کلا و مک کالچو، 2003، کلارک و همکاران، 2008، هلی ویل و هوانگ، 2008). آن ها معتقدند که سطح تولید ناخالص داخلی یا رشد تولید ناخالص داخلی در عملکرد شادی موثر است.

2-2. پیشینه تحقیق

نیلی و بابازاده خراسانی (1391) در مقاله ای عوامل موثر بر رفاه ذهنی در ایران بررسی کرده اند و بر اساس روش پروبیت³ به تجزیه و تحلیل داده های رفاه ذهنی مربوط به 4620 فرد، برای دو سال (2003 و 2005) پرداخته اند. آن ها عوامل موثر بر رفاه ذهنی در ایران را شناسایی و تأثیر این عوامل را به تفکیک مورد بررسی قرار داده اند. یافته های تحقیق نشان دهنده تأثیر مثبت درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه ذهنی است.

محمدزاده و همکاران (1392) در مقاله ای به بررسی فرآیندهای مربوط به تحلیل های ذهنی و احساسی نیروی کار در قالب متغیر شادی و تأثیر درآمد بر شادی در دوره 2000 و 2005 با استفاده از روش داده های تابلویی پرداخته اند. یافته های تجربی نشان دهنده تأثیر مثبت و معنی دار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران است.

نیلی و همکاران (1393) در مقاله ای به بررسی تأثیر تورم و بیکاری بر تابع رفاه اجتماعی با استفاده از داده های 44 کشور به روش پروبیت پرداخته اند. نتایج نشان دهنده تأثیر منفی تورم و بیکاری بر شادی است. آنها همچنین نشان داده اند که یک درصد افزایش نرخ بیکاری نسبت به یک درصد افزایش نرخ تورم تأثیر بیشتری در کاهش رفاه کل دارد.

افشاری و دهمرده (1393) در مقاله ای به بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در 100 کشور منتخب در دوره زمانی 2005-2010 با روش

1. Inglehart.

2. Oswald.

3. Ordered Probit

داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج برای کل کشورها و دو گروه توسعه یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد که فقر برای هر دو گروه اثر منفی بر شادی دارد ولی بهبود توزیع درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادی اثر مثبت دارند.

محمدیان منصور و همکاران (1394) اثر عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر شادی را با استفاده از داده‌های مقطعی سال 2010 برای 61 کشور بررسی کرده‌اند. نتایج بیانگر رابطه خطی بین درآمد و شادی است. همچنین، بیکاری تأثیر منفی، متوسط سال‌های تحصیل تأثیر مثبت و محدودیت‌های دولتی و مذهبی، با شادی رابطه منفی داشته‌اند.

خورسندی و عزیزی (1394) در مقاله‌ای به بررسی اثر بیکاری بر شادی پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از متوسط داده‌های دوره زمانی 2012 - 2005 برای 146 کشور و با روش داده‌های تابلویی تأثیر منفی بیکاری و تورم و تأثیر مثبت شاخص توسعه انسانی بر شادی و رفاه را نشان داده‌اند. در مطالعه خورسندی و علی بابائی (1395) بررسی تفاوت اثر بیکاری و تورم بر شادی این است که بیکاری و تورم تأثیر منفی بر شادی دارند ولی بیکاری نقش موثرتری در کاهش شادی و رفاه دارد. نتیجه کار ابونوری و اسکندری (1395) در مقایسه تأثیر بیکاری بر شادی برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایران در دوره زمانی 2001-2011 (با استفاده از روش داده‌های تابلویی) آن است که اثر بیکاری و تورم بر شادی منفی و معنی‌دار بوده اما اثر بیکاری به طور قابل توجه بیشتر است.

بکرمن و همکاران¹ (2004) در مقاله‌ای به بررسی ارتباط بین بیکاری و رفاه ذهنی در فنلاند با استفاده از داده‌های مقطعی سال‌های 1996، 1990 و روش لجیت ترتیبی² پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش بیکاری باعث کاهش سطح متوسط رفاه ذهنی می‌شود. سانفی و تکسوز³ (2005) تأثیر عوامل فردی و متغیرهای اقتصادی بر رضایت از زندگی را تحلیل کردند. متغیرهای اقتصادی مورد استفاده آنها تولید ناخالص سرانه، تورم، بیکاری و ضریب جینی بود. آن‌ها دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

1. Böckerman et. al
2. Ordered Logit
3. Sanfey & Teksoz

برای دوره زمانی 1999-2002 را در نظر گرفته اند. نتیجه نشان می دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت بر رضایت از زندگی دارند.

اوت (2009) در مقاله ای به بررسی نقش کیفیت تکنیکال در مقابل کیفیت دمکراسی، بر شادی با استفاده داده های مقطع سال 2006 برای 127 کشور پرداخته اند. نتایج نشان دهنده -ای این است که کیفیت تکنیکال همبستگی مثبت هم برای کشورهای فقیر و هم غنی دارد، در حالی که، کیفیت دمکراسی فقط برای کشورهای ثروتمند معنی دار است.

اوت (2010) در مقاله ای رابطه دولت و شادی در 130 کشور را با استفاده از داده های مقطعی سال 2006 مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان می دهد حکمرانی خوب سطح بالاتری از شادی را موجب می شود. رابطه بین اندازه دولت و متوسط شادی به کیفیت دولت بستگی دارد؛ دولت بزرگ و خوب علت افزایش شادی است، اما دولت بزرگ و بد قادر به افزایش شادی نیست.

روپرا و لوگاس¹ (2011) در مقاله ای برای بررسی تأثیر نوسانات تورم و بیکاری بر رفاه اجتماعی 17 کشور از روش پرویت و داده های 1996-2006 استفاده کرده اند. نتایج نشان می دهد که هر دو متغیر رفاه را کاهش می دهند و شهروندان (به ویژه جوانان)، بیشتر نگران بیکاری هستند تا تورم.

فرر و همکاران² (2013) در مقاله ای به بررسی تأثیر نابرابری درآمد بر شادی (خود گزارش شده) پرداخته اند. آن ها با استفاده از روش داده های تابلویی و داده های 2006-2014 برای کشورهای غربی پرداخته اند. نتایج رابطه منفی بین نابرابری درآمد و شادی را نشان می دهد.

بلانچ فلور و همکاران³ (2013) در مقاله ای تأثیر بیکاری و تورم بر شادی در کشورهای اروپایی را با استفاده از داده های سال های 1975-2012 و روش داده های تابلویی پرداخته اند. نتایج نشان دهنده ای این است که تورم و بیکاری هر دو رفاه را کاهش می دهند و تأثیر منفی، افزایش بیکاری بر رفاه نسبت به افزایش تورم بیشتر است.

1. Ruprah and Luengas.

2. Ferrer et. al.

3. Blanchflower et. al

دبناث و شانکار (2014) در مقاله‌ای به بررسی کارایی دولت‌ها در بهبود شادی در 113 کشور در سه گروه توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته با روش تحلیل پوششی داده‌ها می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که کارایی دولت‌ها در افزایش سطح شادی موثر بوده و عدد آن در بیشتر کشورها بیش از 0/9 است. آلوئیس¹ (2014) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین نابرابری درآمد و شادی زنان در 30 کشور از مناطق مختلف (آمریکایی لاتین، نوردیک، اروپا، کمونیست سابق و آنگولا) با نظر سنجی و استفاده از داده‌های مقطعی سال 2006 پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که با افزایش نابرابری درآمد سهم شادی مردم کمتر و سهم غم آنها افزایش می‌یابد.

بلانچ فلور و همکاران (2014) در مقاله‌ای تأثیر تورم و بیکاری بر شادی را با استفاده از داده‌های کشورهای اروپایی برای سال‌های 1975-2013 بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تورم و بیکاری هر دو موجب کاهش رضایت از زندگی می‌شوند و همچنین تأثیر افزایش نرخ بیکاری بر کاهش رضایت از زندگی بیشتر از افزایش تورم است. به این صورت که یک درصد افزایش در نرخ بیکاری (نسبت به یک درصد افزایش در نرخ تورم) رفاه را 5 برابر بیشتر کاهش می‌دهد.

هوانگ (2016) در مقاله‌ای اثر حکمرانی بر شادی در 101 کشور جهان را با روش کوانتیل بررسی کرده است. نتایج حاکی از تأثیر بیشتر کیفیت دموکراسی و تکنیکال برای کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه است.

هلی ویل و همکاران (2018) در مقاله‌ای به ارزیابی اثر کیفیت دولت بر کیفیت زندگی را با استفاده از اطلاعات 157 کشور برای بازه زمانی 2005-2012 را شامل می‌شود و روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تغییر در کیفیت حاکمیت می‌تواند منجر به تغییرات قابل توجهی در کیفیت زندگی شود.

هلی ویل و همکاران (2020)، در مقاله‌ای با عنوان شادی و کیفیت دولت، با استفاده از داده‌های شادی نظرسنجی جهانی گالوپ بیش از 150 کشور در دوره زمانی (2005-2017) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به تجزیه و تحلیل کیفیت دولت و شادی پرداخته‌اند. نتایج

1. Alois

نشان دهنده‌ای تأثیر کیفیت خدمات دولت با شادی ملی است، اما کیفیت دموکراتیک اثر قابل توجه در گسترش شادی نداشته است. همچنین، اعتماد به دولت با شادی رابطه مستقیم داشته است.

آرشید و همکاران¹ (2021)، در مقاله‌ای با عنوان مقایسه کیفیت نهادها با شادی مردم آسیا، به بررسی نقش ابعاد مختلف کیفیت نهادها بر شادی در 33 کشور آسیایی در دوره زمانی (2008-2018) با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی FGLS پرداخته‌اند. نتایج حاصل از آن بیانگر این است که کیفیت نهادها به افراد کمک می‌کند تا احساس کنترل و موفقیت داشته باشند و این منجر به افزایش رفاه می‌شود. همچنین، حکمرانی خوب، پول، باز بودن اقتصاد و اشتغال تأثیر معناداری بر شادی داشته است.

جدول 1. خلاصه مطالعات انجام شده در داخل و خارج

مطالعات داخلی				
نویسندگان	سال	دوره	روش	نتایج حاصل شده
نیلی - بابازاده خراسانی	1391	2005 و 2003	پرویت	درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط خانوادگی، سن و جنسیت تأثیر مثبت بر شادی دارد.
محمدزاده و همکاران	1392	2005 و 2000	داده‌های تابلویی	درآمد بر شادی نیروی کار در ایران تأثیر مثبت دارد.
نیلی و همکاران	1393		پرویت	تورم و بیکاری با شادی رابطه معکوس دارد.
افشاری - دهمرده	1393	2010-2005	داده‌های تابلویی	فقر برای هر دو گروه اثر منفی بر شادی دارد ولی بهبود توزیع درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادی اثر مثبت دارند.
محمدیان منصور و همکاران	1394	2010	داده‌های مقطعی	رابطه خطی بین درآمد و شادی وجود دارد و بیکاری تأثیر منفی بر شادی دارد.
خرسندی - عزیزی	1394	2012-2005	داده‌های تابلویی	تأثیر منفی بیکاری و تورم و تأثیر مثبت شاخص توسعه انسانی بر شادی و رفاه تأیید شد.
خرسندی -	1395		داده‌های	بیکاری و تورم رابطه منفی با شادی دارند.

1. Arshed et al.

علی بابائی			تابلویی	
ابونوری - اسکندری	1395	2011-2001	داده‌های تابلویی	که اثر بیکاری و تورم بر شادی منفی است.
مطالعات خارجی				
بکرمن و همکاران	2004	1996 و 1990	لوجیت ترتیبی	افزایش بیکاری باعث کاهش سطح متوسط رفاه ذهنی می‌شود.
سانفی - تکسوز	2005	2002-1999	روش تصیفی	تولید ناخالص داخلی سرانه اثر مثبت بر رضایت از زندگی دارد.
اوت	2009	2006	ضریب همبستگی	کیفیت تکنیکال همبستگی مثبت در کشورهای فقیر و غنی دارد، در حالیکه، کیفیت دموکراسی فقط برای کشورهای ثروتمند معنی‌دار است.
اوت	2010	2006	ضریب همبستگی	حکمرانی خوب سطح بالاتری از شادی را موجب می‌شود.
روپرا - لوگاس	2011	2006-1996	پرویت	تورم و بیکاری رفاه را کاهش می‌دهند.
فرر و همکاران	2013	2014-2006	داده‌های تابلویی	رابطه منفی بین نابرابری درآمد و شادی وجود دارد.
بلانچ‌فلور و همکاران	2013	2012-1975	داده‌های تابلویی	تورم و بیکاری هر دو رفاه را کاهش می‌دهند
دبناث - شانکار	2014	2007-2005 و 2012-2010	تحلیل پوششی داده‌ها	عدد کارایی دولت‌ها در افزایش سطح شادی در بیشتر کشورها بیش از 0/9 است.
آلویس	2014	2006		افزایش نابرابری درآمد شادی مردم را کاهش می‌دهد.
بلانچ‌فلور و همکاران	2014	2013-1975	داده‌های تابلویی	تورم و بیکاری هر دو موجب کاهش رضایت از زندگی می‌شوند.
هوانگ	2016	2015	کوانتیل	اثر کیفیت دموکراسی و تکنیکال برای کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه بیشتر است.
هلی‌ویل و همکاران	2020	2017-2005	داده‌های تابلویی	تأثیر قابل توجه کیفیت خدمات دولت با شادی و اثر ناچیز کیفیت دموکراتیک بر گسترش شادی و رابطه مستقیم بین اعتماد به دولت و شادی وجود دارد.

آرشید و همکاران	2021	2018-2008	داده های تابلویی FGLS	حکمرانی خوب، پول، باز بودن و اشتغال تأثیر معناداری بر شادی دارند
هلی ویل و همکاران	2018	2012-2005	داده های تابلویی	تغییر در کیفیت حاکمیت می تواند منجر به تغییرات قابل توجهی در کیفیت زندگی شود.

مأخذ: گردآوری بر اساس مطالعات انجام شده

مطالعه حاضر نسبت به تحقیقات پیشین بازه زمانی بیشتر در نظر گرفته است. همچنین، علاوه بر متغیر درآمد از دو متغیر تورم و بیکاری برای تصریح و برآورد بهتر مدل استفاده کرده است تا بتوان به نحو دقیق تری به تجزیه و تحلیل بهتر اثر حکمرانی بر بهبود شادی پرداخت و امکان مقایسه بهتر با درآمد فراهم شود. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر علاوه بر انتخاب بازه بلندمدت برای بررسی عملکرد نهادهای موجود در کشورها در گسترش شادی، متغیرهای اقتصادی تأثیر گذار بر شادی را در کنار شاخص حکمرانی به مدل اضافه کرده است که این موضوع در مقالات قبلی لحاظ نشده است.

3. متدولوژی، مدل تحقیق، داده ها و متغیرها

3-1. روش تحقیق

روش برآورد این پژوهش داده های تابلویی است. در این روش مشاهدات سری زمانی را برای تعدادی مقاطع نشان می دهند و مقطع با i و زمان با t نشان داده می شود (هسیائو¹، 2003). در حالت کلی رابطه زیر نشان دهنده یک مدل داده های تابلویی است:

$$Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=1}^k \beta_{kit} X_{kit} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن $i=1, 2, \dots, n$ نشان دهنده واحدهای مقطعی و $t=1, 2, \dots, T$ نشانگر زمان است. Y_{it} متغیر وابسته برای i امین واحد مقطعی در سال t ، k_{it} ، k امین متغیر مستقل غیر تصادفی برای i امین واحد مقطعی در سال t ام است. ε_{it} جمله اخلاص و β_{kit} پارامترهای مدل هستند. برآورد مدل ابتدا بر اساس روش اثرات ثابت صورت گرفته است. در این روش فرض بر این است که ضرایب مربوط به متغیرها ثابت هستند و اختلافات بین

1. Hsiao

واحدها را می‌توان به صورت تفاوت عرض از مبدا نشان داد. سپس با کاربرد روش اثرات متغیر، اختلاف بین مقاطع را در نظر گرفته است.

در برآورد الگوی تحقیق از آزمون‌های اثرات ثابت و تصادفی استفاده می‌شود. ابتدا با استفاده از آزمون ضریب لاگرانژ ارائه شده توسط بروش و پاگان اضافه کردن اثرات ثابت به الگوی داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار می‌گیرد. فرضیه صفر در این آزمون عدم وجود اثرات ثابت یا تصادفی است. سپس برای انتخاب از بین الگوی با اثرات ثابت و الگوی با اثرات تصادفی از آزمونی که به آزمون هاسمن معروف است، استفاده می‌شود. فرضیه صفر عدم وجود اثرات ثابت (وجود اثرات تصادفی) است.

2-3. مدل تحقیق، داده‌ها و متغیرها

بر اساس مبانی نظری و به پیروی از اوت (2009 و 2010)، بلانچ فلور و همکاران (2013) و هوانگ (2016)، تأثیر بهبود کیفیت حکمرانی بر متوسط سطح شادی و مقایسه آن با درآمد از تابع زیر استفاده می‌شود:

$$H = F(GO, GDP, Z) \quad (2)$$

$$GO = F(TG, DG) \quad (3)$$

$$Z = F(GE, MI) \quad (4)$$

که در آن H متوسط شادی در سطح کشور، GO کیفیت حکمرانی (TG کیفیت تکنیکال) و DG کیفیت دمکراتیک، GDP درآمد سرانه و Z متغیر کنترلی (شامل هزینه‌های دولت و MI شاخص فلاکت) است. در نتیجه مدل شادی به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$H_{it} = b_0 + b_1 TG_{it} + b_2 DG_{it} + b_3 GE_{it} + b_4 MI_{it} + b_5 LOGGDP_{it} + e_{it} \quad (5)$$

که $\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4, \beta_5$ ضرایب مدل بوده و ε_{it} عنصر خطا است. متغیر وابسته در این پژوهش شادی است. بنابراین، در این پژوهش علاوه بر متغیر درآمد سرانه، تورم و بیکاری، از متغیر کیفیت حکمرانی (کیفیت تکنیکال و کیفیت دمکراتیک، برای تصریح و برآورد بهتر مدل استفاده کرده است تا بتوان به نحو دقیق‌تری به تجزیه و تحلیل بهتر اثر حکمرانی بر بهبود شادی پرداخت و امکان مقایسه بهتر با درآمد فراهم شود.

اقتصاد شادی بیشتر به موضوع ذهنی و فردی توجه دارد که در ادبیات اقتصاد سنتی (نئوکلاسیک) تقریباً نادیده گرفته می شد. در دهه 1950 مفهوم شادی همانند «رفاه»، «سلامت روان» و مانند آن در نظر گرفته می شود (ونهوین، 2000). در چند دهه گذشته پژوهشگران سعی کرده اند تا مفهوم مشخص تری از شادی را ارائه دهند. در این راستا آن ها اصطلاح شادی را در دو بعد عینی و ذهنی در نظر گرفتند. مفهوم عینی شادی به وضعیت مادی، صلح، آزادی و غیره اشاره دارد. مفهوم ذهنی، احساسات پایدار و همچنین درک باثبات افراد از زندگی را نشان می دهد (ونهوین 2000). لایارد¹ (2005) شادی را «احساسات خوب و عالی درباره زندگی و حفظ همان احساسات» تعریف می کند. مایرز شادی را «نسبت بالایی از احساسات مثبت و منفی» تعریف می کند (دبانث و شانکار²، 2014). اوت (2010) شادی را میزان قضاوت فرد از کیفیت زندگی مطلوب خود تعریف می کند. دانکن³ (2008) معتقد است که شادی به سه عامل شدیداً وابسته به هم مربوط می شود؛ رفاه ذهنی، رضایت از زندگی و عدم افسردگی و اضطراب. رفاه ذهنی حالت یا احساسی است که افراد از سرگرمی ها و سرخوشی ها دارند. رضایت از زندگی به وضعیت یا شرایط زندگی همانند ثروت شخصی، روابط خانوادگی، وضعیت کار و غیره اشاره دارد که علت رضایت و ناراضی است. در نهایت عدم افسردگی، عدم اضطراب و نبود ناامنی و غیره به خودی خود علت شادی نیستند اما پیش شرط های مهمی برای شادی به حساب می آیند. شادی توسط روش کانتریل⁴ محاسبه می شود که در سال 1965 معرفی و توسعه یافته است. در این روش نردبان را توصیف می کنید که دارای 10 پله است. بالاترین نقطه نردبان بهترین زندگی ممکن برای شما و پایین ترین آن بدترین را نشان می دهد. «با در نظر گرفتن همه چیز گذشته، حال و تصوراتان از آینده، در حال حاضر شما در کجایی این نردبان ایستاده اید؟» (اوت، 2010). از این ساختار، بهترین و بدترین زندگی ممکن، می توان درک کرد که مصاحبه کنندگان برای پاسخ مجبور هستند تا همه ابعاد یا زمینه های مرتبط به زندگی را در نظر بگیرند.

1. Layard
2. Debnath, R. M., & Shankar
3. Duncan
4. Cantril

کیفیت حکمرانی یکی از متغیر اثرگذار بر شادی است. سیاست‌گذاری کشورها، به طور خاص کشورهای در حال توسعه، را می‌توان به سه دوره کلی تقسیم بندی کرد؛ دوره دولت حداقل، دوره دولت بزرگ و دوره حکمرانی خوب. از سوی دیگر تحول‌های دهه 1980 منجر به شکل‌گیری دولت کارآمد یا به‌طور کلی دولت خوب گردید (میدری 1385، دادگر، 1397: 277). حکمرانی خوب با تلاش اقتصاددانانی چون داگلاس نورث، رونالد کوز، ژوزف استگلitz و مانند آن‌ها تکامل یافت. می‌توان اقتصاددانان یاد شده را در مکتب نهادگرا قرار داد. اصطلاح حکمرانی خوب به مسئولیت‌پذیری در سیاست‌گذاری و اجرا کردن سیاست‌ها اشاره دارد، در واقع این اصطلاح مفهوم گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و بر رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حاکمان و حکومت و مانند این روابط تمرکز دارد. از این رو ترویج حکمرانی در همه ابعاد را یک شرط ضروری برای توسعه قلمداد کرده‌اند (دادگر و نظری¹، 2017). از منظر بانک جهانی حکمرانی خوب شیوه‌ای است که در آن قدرت و مدیریت منابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره یک کشور در راستای توسعه صرف شود (وود، 2005). حکمرانی خوب شش عنصر یا زیر شاخص را شامل می‌شود، که عبارتند از: 1) حق اظهار نظر و پاسخگویی²؛ به مفهوم میزان و درجه توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت خود می‌باشد. 2) ثبات سیاسی و عدم خشونت³؛ بیانگر احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از روش غیر قانونی یا ابزارهای خشونت آمیز است. 3) کارایی دولت⁴؛ یعنی کیفیت تدوین و اجرای خط مشی-های عمومی و دولتی و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد. 4) کیفیت قانون⁵؛ مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب و کار به منظور توسعه تجارت را مد نظر قرار دارد. 5) حاکمیت قانون⁶؛ اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت. 6) کنترل فساد⁷؛ رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب

1. Dadgara & Nazari

2. Voice and Accountability

3. Political Stability and Absence of Violence

4. Government Effectiveness

5. Regulatory Quality

6. Rule of Law

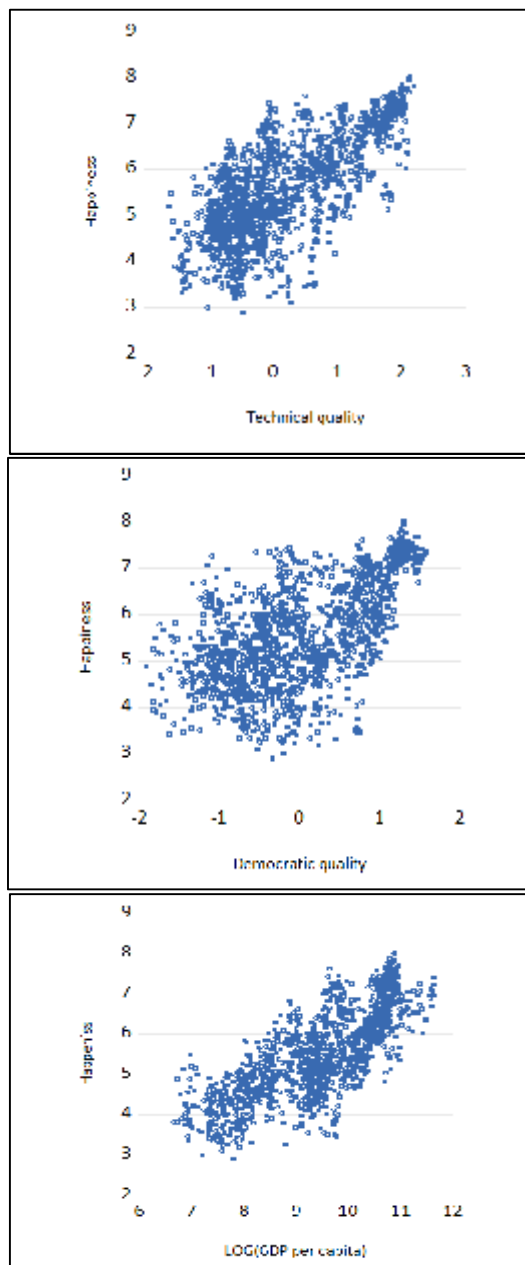
7. Control of Corruption

قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره نبرند (کافمن و همکاران 2008). شش شاخص نام برده عدد بین 2/5- تا 2/5 را به خود اختصاص می دهند و 2/5 نشان دهنده کیفیت و کارایی بالای نهادها در اجتماع است. در مقاله حاضر با توجه به کار هلی ویل و هوانگ (2008)، این شش بعد به دو زیر شاخص کیفیت تکنیکال¹ و دمکراتیک² تقسیم می شوند. زیر شاخص اول از میانگین ساده ابعاد کارایی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت قانون و کنترل فساد بدست می آید و نشان از کیفیت و کارایی نهادها موجود در هر کشور دارد. زیر شاخص دوم از میانگین ساده دو شاخص باقیمانده محاسبه می شود، که نشان دهنده وضعیت سیاسی کشورها است.

درآمد یک متغیر اثرگذار دیگر بر شادی است. برخی از پژوهش ها نشان داده اند که بین درآمد و شادی رابطه وجود ندارد یا تاثیر درآمد بر شادی بسیار ناچیز است (در بخش مبانی نظری به برخی از آن ها اشاره شد). در پژوهش های قبلی که رابطه بین شادی و درآمد را بررسی کرده اند، دوره مورد مطالعه بیشتر مقطعی، یک دوره نظرسنجی یا حداکثر دو دوره نظرسنجی یعنی حداکثر یک دوره 7 یا 8 سال را شامل می شوند. اما پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات قبلی یک بازه نسبتاً بلند مدت (2006-2019) را در نظر گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر علاوه بر بررسی تأثیر حکمرانی و شادی رابطه و میزان تأثیرگذاری درآمد بر متوسط سطح شادی را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. برای این منظور لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه³ به عنوان پراکسی درآمد در نظر گرفته شده است.

نمودار (1) نشان دهنده پراکندگی⁴ متغیر متوسط سطح شادی در برابر سه متغیر کیفیت تکنیکال، کیفیت دمکراتیک و لگاریتم درآمد سرانه است. همانطور که در آن نمودار ملاحظه می شود یک رابطه مشخص از کاهش یا افزایش به عقب برای این سه متغیر در برابر شادی وجود ندارد. همچنین تابع درجه دوم بین متغیرها برقرار نیست. در نتیجه رابطه بین کیفیت تکنیکال، کیفیت دمکراتیک و درآمد با شادی خطی است.

1. Technical quality
2. Democratic quality
3. GDP per capita
4. scatter plots



نمودار 1. نمودار پراکنندگی متوسط سطح شادی 112 کشور در برابر کیفیت تکنیکال، کیفیت دمکراتیک و لگاریتم درآمد سرانه در بازه زمانی 2006-2019

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در عین حال اندازه دولت، تورم و بیکاری عوامل مهم دیگر در ایجاد شادی در سطح جامعه هستند که به عنوان **متغیرهای کنترلی** برای بررسی بهتر رابطه حکمرانی و متوسط شادی در نظر گرفته شده است. دولت ها یک نقش تسریع کننده در رفع نابسامانی های اجتماعی، اقتصادی، بهبود سلامت و ... در کشورها را دارند که گسترش شادی را نیز شامل می شود. یک ابزار مهم برای دستیابی به این هدف هزینه های است که دولت ها در این راستا انجام می دهند. نسبت هزینه های دولت به تولید ناخالص داخلی یک شاخص از اندازه دولت تعریف شده است¹. اندازه دولت عدد بین صفر تا 100 را شامل می شود. داده های آن از موسسه فریز جمع آوری شده است. نرخ تورم و بیکاری در غالب شاخص فلاکت بررسی می شود که ترکیب و جمع این دو است. شاخص فلاکت حاکی از وضعیت اقتصاد کلان کشورهای مختلف است. اگر چه بر شاخص فلاکت به عنوان نماینده ساده برای مشکلات اقتصادی انتقادهای وارد است، اما این شاخص همبستگی معکوس با تمایلات مصرف و شادی دارد (دادگر و نظری، 2017 و 2018)، شاخص فلاکت اولین مرتبه توسط اکان معرفی و وارد ادبیات اقتصاد شده است و توسط دیگران توسعه یافته است. همچنین فرض می شود که نرخ های بالاتر فلاکت بحران اقتصادی و مشکلات اجتماعی همراه دارد. به عبارت دیگر، این شاخص به عنوان معیاری برای رفاه اقتصادی به حساب می آید، در نتیجه افزایش فلاکت در یک کشور به معنای بدتر شدن رفاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان است.

3-3. نگاهی به وضعیت متوسط شادی و حکمرانی

برای درک بهتری از رابطه بین حکمرانی و متوسط شادی به وضعیت متوسط سطح شادی و کیفیت حکمرانی در دو منطقه اُ ای سی دی² و منا³ و به طور خاص ایران اشاره می شود. حکمرانی ایران برای دوره زمانی 2006-2019 نشان دهنده از کیفیت بد حکمرانی موجود در ایران است؛ زیرا هر شش شاخص حکمرانی، بین سال های 2006-2019 مقدار منفی است. از این شش شاخص؛ سه بعد کیفیت قانون، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون نسبت به ابعاد دیگر وضعیت بدتری دارند. عدد محاسبه شده برای آن ها کمتر از 1- است. از سوی دیگر بیشترین متوسط سطح شادی ایران مربوط به سال 2006 است که متوسط شادی در

1. نسبت هزینه های عمومی به تولید ناخالص یک شاخص رایج برای اندازه دولت است، اما شاخص های دیگری نیز در این رابطه مطرح هستند. از جمله سهم مالیات از تولید ناخالص، سهم بدهی دولت از تولید ناخالص و حتما سهم تشکیل سرمایه ثابت از تولید ناخالص، از این نمونه است (دادگر 201، 1379)

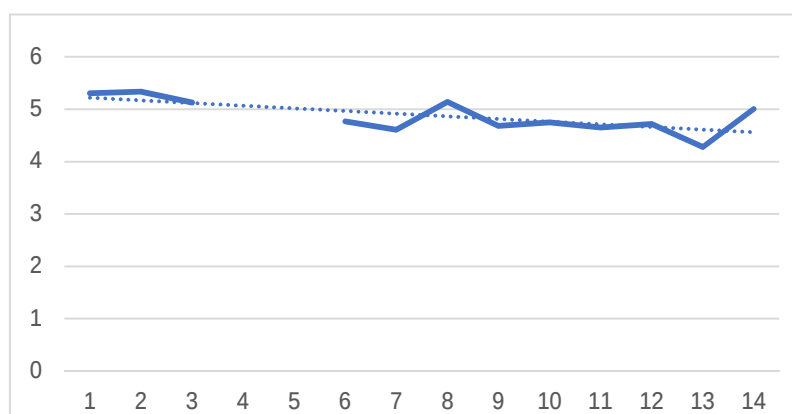
2. Organization for Economic Co-operation and Development
3. Middle East and North Africa

این سال عدد 5/30 می باشد. برای سال‌های بعد از آن مقدار شادی کاهش داشته است. در نتیجه می‌توان بیان کرد وضعیت بد حکمرانی در ایران می‌تواند دلیلی بر روند نزولی متوسط سطح شادی ایران برای سال‌های 2006 تا 2019 باشد، جدول 2 داده‌های متوسط سطح شادی ایران و شش شاخص حکمرانی و نمودار 2 روند کاهنده متوسط سطح شادی بین سال‌های 2006-2019 را نشان می‌دهد.

جدول 2. داده‌های متوسط شادی و شش شاخص حکمرانی کافمن و همکاران برای ایران

نام متغیر سال	متوسط شادی	کارایی دولت	کیفیت قانون	حاکمیت قانون	کنترل فساد	ثبات سیاسی	عدم خشونت و پاسخگویی
2006	5/30	-0/52	-1/46	-0/94	-0/48	-1/04	-1/50
2007	5/33	-0/60	-1/61	-0/97	-0/54	-0/93	-1/55
2008	5/12	-0/63	-1/63	-0/90	-0/77	-0/94	-1/56
2009	-	-0/55	-1/72	-0/97	-0/83	-1/56	-1/58
2010	-	-0/47	-1/70	-1/02	-0/94	-1/63	-1/60
2011	4/76	-0/43	-1/52	-0/96	-0/87	-1/42	-1/58
2012	4/60	-0/52	-1/42	-0/91	0/79	-1/32	-1/60
2013	5/13	0/67	-1/49	-0/99	-0/68	-1/24	-1/60
2014	4/68	-0/42	-1/45	-1/05	-0/61	-0/87	1/58
2015	4/74	-0/20	-1/31	-0/92	-0/60	-0/92	-1/51
2016	4/65	-0/19	-1/22	-0/67	-0/71	-0/81	-1/34
2017	4/71	-0/19	-1/19	-0/68	-0/81	-0/93	-1/29
2018	4/27	-0/43	-1/37	-0/69	-0/95	-1/33	-1/31
2019	5/00	-0/55	-1/42	-0/74	-1/47	-1/69	-1/37

مأخذ: داده‌های تحقیق



نمودار 2. روند متوسط شادی بین سال های 2006-2019 در ایران

مأخذ: یافته های پژوهش

در این بخش حکمرانی در شاخص ابعاد تکنیکال و دمکراتیک در کشورهای منا و اُ ای سی دی مورد بررسی قرار می گیرد¹. میانگین کیفیت دمکراتیک منطقه منا تقریباً صفر، 0/06 و این عدد برای کیفیت تکنیکال منفی، 0/58- است و میانگین سطح شادی برای این منطقه 5/60 محاسبه شده است. همان طور که خلاصه آماری منطقه در جدول (3) قابل مشاهده است، کیفیت حکمرانی در منطقه نیز از وضعیت قابل قبول برخوردار نیست. بنابراین، می توان یک علت پایین بودن سطح شادی در این منطقه را وضعیت موجود حکمرانی در این کشورها دانست. وضعیت حکمرانی و متوسط سطح شادی در کشورهای اُ ای سی دی در جدول (4) ارایه شده است. کیفیت تکنیکال حدوداً 0/8، کیفیت دمکراتیک برابر با 1/15 و میانگین سطح شادی 6/5 است.

1. قرار گرفتن ایران در منطقه منا، وضعیت بد حکمرانی و اقتصادی در منطقه منا و نقش تنش و نزاع بیش از حد در این منطقه از دلایل انتخاب حوزه منا هستند. همچنین وضعیت شاخص های حکمرانی و اقتصادی قابل قبول کشورهای اُ ای سی دی و بهبود شاخص های صلح و اقتصاد، تنش کم، داشتن ظرفیت الگو بودن برای سطح شادی و... در این منطقه از جمله دلایل انتخاب منطقه اُ ای سی دی در راستای تفهیم بهتر تأثیر حکمرانی بر شادی هستند.

جدول 3. خلاصه آماری کشورهای MENA

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	مشاهدات
متوسط شادی	5/60	0/90	7/26	3/58	122
کیفیت تکنیکال	-0/58	0/72	1/26	-1/61	140
کیفیت دموکراتیک	0/06	0/62	1/27	-1/03	140

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول 4. خلاصه آماری کشورهای OECD

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	مشاهدات
متوسط شادی	6/50	0/78	8/01	4/66	435
کیفیت تکنیکال	0/79	0/54	1/52	-1/30	462
کیفیت دموکراتیک	1/15	0/61	2/18	-0/38	462

مأخذ: محاسبات تحقیق

با مقایسه جدول 3 و 4، تفاوت در وضعیت حکمرانی در دو منطقه کاملاً مشهود است، به عبارت دیگر این کشورها نسبت به کشورهای منا از وضعیت حکمرانی بهتری برخوردار هستند، این موضوع برای متوسط سطح شادی در این دو منطقه نیز صادق است. بنابراین می‌تواند اختلاف در سطح شادی در دو گروه بالا را به تفاوت کیفیت حکمرانی آنها مرتبط دانست. در این پژوهش کشورهای مانند یمن، سوریه، عراق که در شرایط خاصی بوده‌اند حذف شده‌اند. کشورهای آ‌ای سی دی نیز شامل 33 کشور بوده‌اند.

آماري از تمام متغیرهای معرفی شده، که در تجزیه و تحلیل رگرسیون به کار برده می‌شوند در جداول 5، 6 و 7 ارائه شده است. بیشترین متوسط شادی 8/01، مربوط به کشور دانمارک در سال 2006 و کمینه‌ترین مقدار 2/90، مربوط به کشور تانزانیا برای سال 2016 و متوسط شادی برابر با 5/54 است. این مقادیر برای کیفیت دموکراتیک به ترتیب 1/58 برای کشور نیوزلند سال 2018، 1/90- به کشور کنگو برای سال 2017 است. در صورتی که حداکثر میزان کیفیت تکنیکال 2/18 متعلق به کشور دانمارک برای سال 2018 و کمترین آن 1/90- به کشور کنگو سال 2019 و متوسط مقدار کیفیت تکنیکال 0/17 است.

جدول 5. خلاصه آماری متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	مشاهدات
متوسط شادی	5/54	1/08	8/01	2/9	1460
کیفیت دمکراتیک	0/01	0/81	1/58	-1/90	1568
کیفیت تکنیکال	0/17	0/92	2/18	-1/61	1568
شاخص فلاکت	11/83	7/16	65/29	-7/73	1550
هزینه دولت	64/56	22/75	96/5	0	1559
لگاریتم درآمد سرانه	9/47	1/14	11/65	6/67	1568

مأخذ: محاسبات تحقیق

در ادامه، براساس روش های ویل و هوانگ (2008) کشورهای مورد استفاده در این پژوهش به 2 دسته کشورهای فقیر و ثروتمند تقسیم شده اند. کشورهای ثروتمند کشورهایی هستند که تولید ناخالص داخلی آنها در سال 2019 بیش از نصف تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال 1995 باشد و کشورهای فقیر شامل کشورهایی است که تولید ناخالص داخلی آنها کمتر از نصف تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال 1995 است.

جدول 6. خلاصه آماری کشورهای فقیر

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	مشاهدات
متوسط شادی	4/99	0/87	7/61	2/90	898
کیفیت دمکراتیک	-0/40	0/59	1/15	-1/90	952
کیفیت تکنیکال	-0/39	0/56	2/10	-1/61	952
شاخص فلاکت	13/31	8/09	65/29	-7/73	973
هزینه دولت	75/41	15/56	96/5	24/1	943
لگاریتم درآمد سرانه	8/77	0/90	11/49	6/67	952

مأخذ: نتایج تحقیق

جدول 7. خلاصه آماری کشورهای ثروتمند

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	مشاهدات
متوسط شادی	6/41	0/78	8/01	4/66	562
کیفیت دمکراتیک	0/66	0/66	1/58	-1/32	616
کیفیت تکنیکال	1/05	0/66	2/18	-0/70	616
شاخص فلاکت	9/56	4/60	28/66	0/41	613
هزینه دولت	47/96	22/005	93/7	0	616
لگاریتم درآمد سرانه	10/55	0/35	11/65	9/76	616

مأخذ: نتایج تحقیق

4. برآورد الگو و تحلیل نتایج

برای بررسی نقش حکمرانی و تأثیر آن در بهبود متوسط شادی و مقایسه آن با نقش درآمد در ایجاد شادی در جامعه سه معادله تخمین زده می‌شود. معادله اول تنها کیفیت دمکراتیک و تکنیکال تخمین زده می‌شود سپس در معادله دوم برآورد با متغیر درآمد صورت می‌گیرد. معادله سوم شامل تمام متغیرهای توضیحی است. طبق کار نلسون و پلاسر (1982) بیشتر سری‌های زمانی ناماناستند و کارکردن با این تکنیک‌های کلاسیک اقتصادسنجی که فرض می‌کنند داده‌ها مانا هستند نتایج گمراه کننده‌ای به وجود می‌آورد (ابراهیمی، 1390). بنابراین، قبل از برآورد معادله‌ها ابتدا پایایی متغیرها بررسی شود. برای انجام این کار از آزمون لوین، لیو و چو به دلیل معتبرتر بودن و کاربرد بیشتری این آزمون در داده‌های تابلویی استفاده شده و نتایج در جدول 8 ارائه شده است:

جدول 8. نتایج آزمون پایایی

متغیر	کل کشورها			کشورهای فقیر			کشورهای ثروتمند		
	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه
H	-3/87	0/00	I(0)	-3/08	0/00	I(0)	-3/22	0/00	I(0)
DQ	-4/70	0/00	I(0)	-4/50	0/00	I(0)	-1/71	0/04	I(0)
TQ	-5/90	0/00	I(0)	-5/38	0/00	I(0)	-2/64	0/00	I(0)
Log(GDP)	-18/55	0/00	I(1)	-12/66	0/00	I(1)	-13/98	0/00	I(1)
GE	-5/8	0/00	I(0)	-4/91	0/00	I(0)	-2/26	0/01	I(0)
MI	-7/37	0/00	I(0)	-9/02	0/00	I(0)	-2/2	0/01	I(0)

مأخذ: نتایج تحقیق

تمام متغیرها، به جزء لگاریتم درآمد سرانه (که با یک بار تفاضل گیری پایا شده است)، در سطح صفر پایا هستند. به دلیل پایا نبودن متغیر درآمد و برای جلوگیری از رگرسیون کاذب آزمون همجمعی کائو¹ صورت می گیرد. نتایج آزمون همجمعی در جدول (9) گزارش شده است و وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها را تأیید می کند.

جدول 9. آزمون همجمعی

کل کشورها			کشورهای فقیر			کشورهای ثروتمند		
مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه
-1/58	0/056*	همجمع	-2/008	0/02	همجمع	-2/01	0/02	همجمع

*در سطح 10 درصد معنی دار است.

مأخذ: نتایج تحقیق

قبل از برآورد مدل به کمک آزمون F لیمر روش برآورد ترکیبی² یا روش برآورد داده های تابلویی³ برای سه معادله مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین از آزمون هاسمن برای

1. Kao
2. Pooled
3. Panel

تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی استفاده شده است. نتایج هر دو آزمون F لیمر و هاسمن در جدول 10 گزارش شده است. نتایج حاصل شده بیانگر تأیید روش داده‌های تابلویی است. جدول 10. نتایج آزمون اثرات ثابت

نام آزمون	کل کشورها			کشورهای فقیر			کشورهای ثروتمند		
	1	2	3	1	2	3	1	2	3
F لیمر	45/17 (0/000)	34/68 (0/000)	31/14 (0/000)	43/16 (0/000)	28/96 (0/000)	25/43 (0/000)	38/36 (0/000)	36/05 (0/000)	38/12 (0/000)
هاسمن	0/99 (0/60)	10/72 (0/013)	11/49 (0/04)	2/67 (0/26)	13/24 (0/004)	19/22 (0/001)	5/71 (0/000)	1/33 (0/72)	14/66 (0/01)

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق با استفاده از روش داده‌های تابلویی و با استفاده از نرم‌افزار 12 Eviews در قالب سه سناریو برای کل کشورها، کشورهای فقیر و کشورهای ثروتمند برآورد شده است و نتایج حاصل از آن در جدول (11) گزارش شده است. در معادله اول تنها اثر کیفیت دمکراتیک و تکنیکال بررسی می‌شود. در معادله دوم برآورد مدل-ها با وارد کردن متغیر درآمد صورت می‌گیرد. در معادله برآوردی سوم متغیرهای توضیحی اندازه دولت و شاخص فلاکت نیز وارد مدل شده است.

جدول 1. برآورد ضرایب متغیر وابسته متوسط شادی (H) با استفاده از روش داده‌های تابلویی

نام متغیر	کل کشورها			کشورهای فقیر			کشورهای ثروتمند		
	1	2	3	1	2	3	1	2	3
DQ	-0/01 (-0/76)	-0/19 (0/000) *	-0/19 (0/000) *	0/01 (086)	-0/18 (0/000)	-0/18 (0/000) *	-0/15 (0/10)	-0/05 (0/54)	-0/15 (0/08) **
TQ	0/80 (0/000) *	0/60 (0/000) *	0/59 (0/000) *	0/66 (0/000)	0/66 (0/000)	0/70 (0/000) *	0/75 (0/000) *	0/46 (0/000) *	0/30 (0/000) *
Log (GDP)	-	0/83 (0/000) *	0/72 (0/000) *	-	0/76 (0/000) *	0/64 (0/000) *	-	1/04 (0/000) *	0/56 (0/000) *
GE	-	-	0/002 (0/000) *	-	-	-0/003 (0/03) *	-	-	0/005 (0/000) *
MI	-	-	-0/009 (0/000) *	-	-	-0/004 (0/000) *	-	-	-0/02 (0/000) *
R2	0/11	0/95	0/95	0/04	0/88	0/89	0/09	0/20	0/94
تعداد داده‌ها	1460	1460	1441	898	898	895	562	562	561
مقادیر عددی ضریب و مقادیر داخل پرانتز مقدار احتمال است. *در سطح 5 درصد و **در سطح 10 درصد معنی دار است. مأخذ: نتایج تحقیق									

بر اساس نتایج حاصل شده در جدول (11)، اثر کیفیت تکنیکال نهادهای مربوط به حکمرانی بر گسترش شادی در بازه زمانی 2006 تا 2019 برای 112 کشور مورد مطالعه بررسی شده است. نتایج حاصل شده بیانگر این است که کیفیت تکنیکال اثر مثبت و قوی با سطح شادی دارد، در حالیکه این رابطه برای متغیر دموکراتیک منفی و نسبتاً کم است. این اختلاف شدید بین ابعاد دموکراتیک و تکنیکال تا حدودی می‌تواند به دلیل اختلاف سطح درآمد بین کشورها و همچنین وضعیت توسعه‌یافتگی آنها باشد. برای رفع این مشکل کل نمونه به دو گروه کشور فقیر و ثروتمند تقسیم می‌شوند. کشورهای فقیر شامل کشورهایی هستند که درآمد میانگین سرانه آنها در دوره مورد مطالعه کمتر از نصف درآمد سرانه آمریکا در سال 1995 است و کشورهای ثروتمند شامل کشورهای هستند که متوسط درآمد سرانه آنها بیش از نصف درآمد سرانه آمریکا در سال 1995 است (هلی‌ویل و هوانگ، 2008). با این نوع طبقه‌بندی 68 کشور در زمره کشورهای فقیر و 44 کشور باقیمانده کشورهای ثروتمند را تشکیل می‌دهند. بعد از تقسیم‌بندی کشورها تأثیر کیفیت حکمرانی در هر دو گروه دوباره مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در معادله اول تنها دو متغیر کیفیت حکمرانی وارد شده است. نتایج حاصل شده از معادله اول بیانگر این است که کیفیت تکنیکال اثر مثبت و معنی‌داری بر سطح شادی دارد؛ اما اثر کیفیت دموکراتیک منفی است اما معنادار نیست. همچنین، ضرایب آن نسبت به کیفیت دموکراتیک بیشتر است. ضریب کیفیت تکنیکال کل کشورها برابر با 0/8، برای کشورهای فقیر برابر 0/66 و برای کشورهای ثروتمند برابر 0/75 است و در سطح 5 درصد معنادار هستند.

در معادله دوم، زمانی که متغیر درآمد سرانه وارد مدل می‌شود، ضریب برآوردی درآمد سرانه در کل کشورها برابر با 0/83، در کشورهای فقیر برابر 0/76 و در کشورهای ثروتمند برابر 1/04 است و در سطح 5 درصد معنادار هستند.

در معادله سوم ضریب برآوردی درآمد سرانه در کل کشورها برابر 0/72 در کشورهای فقیر برابر 0/64 و در کشورهای ثروتمند برابر 0/56 بوده است و در سطح 5 درصد معنادار بوده است. ضریب برآوردی کیفیت تکنیکال در کل کشورها برابر 0/59، در کشورهای

فقیر برابر 0/70 و در کشورهای ثروتمند برابر 0/30 بوده است و در سطح 5 درصد معنادار بوده است. همچنین، ضریب برآوردی کیفیت دموکراتیک در کل کشورها برابر 0/19-، در کشورهای فقیر برابر 0/18- و در کشورهای ثروتمند برابر 0/15- بوده است و در سطح 5 درصد معنادار بوده است.

در معادله سوم ضریب برآوردی شاخص فلاکت در کل کشورها برابر 0/009-، در کشورهای فقیر برابر 0/004- و در کشورهای ثروتمند برابر 0/02- بوده است و در سطح 5 درصد معنادار بوده است.

ضریب برآوردی اندازه دولت نیز در کل کشورها برابر 0/002، در کشورهای فقیر برابر 0/003- و در کشورهای ثروتمند برابر 0/005 بوده است و در سطح 5 درصد معنادار بوده است. نکته ای که باید به آن توجه داشت، این است که ضریب برآوردی اندازه دولت در افزایش سطح شادی در کشورهای ثروتمند هم مثبت است و هم نسبت به کشورهای فقیر بیشتر است. در حالیکه در کشورهای فقیر رابطه مربوطه منفی است. دلیل این موضوع چنین به نظر می رسد که با وجودی که در کشورهای فقیر نیز دولت هزینه می کند، اما به دلیل ساختار و کارکرد نامناسب، اثر بخشی هزینه دولت کمتر از اثر بخشی هزینه دولت در کشورهای ثروتمند است.

نکته قابل توجه دیگر اثرگذاری منفی شاخص فلاکت بر شادی در کشورهای فقیر و ثروتمند است، اما میزان تأثیرگذاری آن در کشورهای ثروتمند نسبت به کشورهای فقیر بیشتر است. به عبارت دیگر، اگر شاخص فلاکت در کشورهای ثروتمند و فقیر به یک میزان افزایش یابد، متوسط شادی در کشورهای ثروتمند نسبت به کشورهای فقیر بیشتر کاهش می یابد. دلیل این امر می تواند به دلیل توجه و حساسیت و اهمیتی باشد که شهروندان کشورهای ثروتمند نسبت به کشورهای فقیر به مسئله تورم و بیکاری دارند.

5. نتیجه گیری و پیشنهادات سیاستی

در سال های اخیر، تغییراتی در اقتصاد رفاه صورت گرفته است. این تغییرها شامل کاربرد شاخص های ذهنی در ارزیابی رفاه در کنار شاخص های عینی مانند درآمد است. شادی یک شاخص رفاه ذهنی است که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. بنابراین این

مقاله به بررسی عوامل موثر بر شادی پرداخته است. شرایط اجتماعی، اقتصادی و غیره عوامل تأثیرگذار در افزایش شادی در سطح جامعه هستند. البته در این راستا یک رابطه دو طرفه وجود دارد؛ یعنی شادی بالاتر باعث بهبود شرایط موجود در یک کشور می‌شود. از طرف دیگر حکومت‌ها نیز نقش قابل توجهی در بهبود وضعیت جامعه دارند. برای این منظور، متوسط سطح شادی کشورها به عنوان پراکسی از رفاه ذهنی در نظر گرفته شده‌اند. برای این کار روش داده‌های ترکیبی و اطلاعات 112 کشور، برای بازه زمانی 2006-2019 در نظر گرفته شده است. علاوه بر اثر حکمرانی، اثر درآمد بر شادی نیز بررسی می‌شود. نتایج برآورد نشان دهنده نقش قابل توجه اصلاح نهادها بطور کلی و نهادهای حاکمیتی بطور خاص و همچنین نقش درآمد در گسترش شادی در سطح جامعه است. در این راستا، ابعاد تکنیکال حکمرانی رابطه مثبت و میزان اثرگذاری زیادی در گسترش شادی در تمام کشورها داشته است. رابطه بین کیفیت دموکراتیک و متوسط شادی برای کشورهای ثروتمند اثربخش ولی برای کشورهای فقیر منفی است. در عین حال ابعاد تکنیکال نهادهای موجود در کشورها در بلند مدت تأثیر بیشتری در ایجاد شادی نسبت به ابعاد دموکراتیک دارند. این موضوع می‌تواند به دلیل این امر باشد که ابعاد تکنیکال دولت کیفیت خدمات ارایه شده و نهادهای مرتبط با آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در نتیجه بهبود آنها برای مردم ملموس‌تر است نسبت به ابعاد دموکراتیک که وضعیت سیاسی نهادها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

یک پیام کلیدی این مقاله این است که نباید تأثیر و نقش دولت‌ها در گسترش شادی چه در سطح فردی و چه در سطح جامع نادیده گرفته شود. نکته قابل توجه دیگر رابطه مثبت درآمد بر سطح شادی است که در مطالعات قبل درآمد در افزایش شادی بی‌اثر بوده و یا تأثیر آن ناچیز بوده است (استرلین 2003، هلی‌ویل و هوانگ 2008). بر اساس نتایج حاصل شده افزایش درآمد می‌تواند یک عامل مهم در افزایش مصرف خدمات مانند خدمات بهداشتی، آموزشی و غیره شود که تأثیر مهمی در بهبود شادی دارند. بنابراین می‌توان بیان کرد در بلند مدت تأثیر درآمد بر افزایش شادی قابل توجه است. نکته بعدی مربوط به اندازه دولت است. در معادله‌ایی که تمام کشورها را شامل می‌شود رابطه بین

اندازه دولت و متوسط شادی مثبت است، اما زمانیکه کشورها به دو گروه ثروتمند و فقیر تقسیم می شود، رابطه مثبت در گروه کشورهای ثروتمند همچنان برقرار است، ولی در مورد کشورهای فقیر این رابطه برقرار نیست. بنابراین، صرف افزایش هزینه های دولت یا بزرگ شدن دولت باعث افزایش شادی نمی شود؛ بلکه افزایش هزینه های دولت زمانی می تواند باعث ایجاد شادی شود که به درستی صورت گیرد، یعنی منتهی به بهبود وضعیت موجود در کشور شود و عامل ارتقاء ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بشمار آید. هزینه های عمومی در کشورهای فقیر بهبود بخش نیست، اما در مورد کشورهای ثروتمند برعکس است. بنابراین می توان بیان کرد دولت بزرگ با قید خوب، علت گسترش شادی در سطح جامعه است¹، اما دولت بزرگ و بد قادر به بهبود شادی نیست.

نکته دیگر در نتایج حاصل شده بیانگر تفاوت ضریب اثر بخشی شاخص فلاکت بر شادی در کشورهای ثروتمند و فقیر است. این اثر در کشورهای ثروتمند بسیار بیشتر از کشورهای فقیر است. این موضوع می تواند به این دلیل باشد که نرخ تورم و بیکاری در کشورهای ثروتمند برای بیشتر سال ها پایین بوده و ثبات قیمت ها و بازار کار نسبتاً وجود داشته در حالیکه در بیشتر کشورهای فقیر این مسئله کاملاً بر عکس بوده است، یعنی نرخ تورم مدام در حال افزایش بوده است. بنابراین، بالا رفتن نرخ تورم در کشورهای فقیر، گویی یک امر عادی بوده موجب کاهش معنادار شادی آنها نشده است. به عبارت دیگر، گویی بیکاری و تورم در کشورهای فقیر نهادینه شده که این امر باعث می شود در صورت افزایش تورم و بیکاری سطح شادی در این کشورها کمتر کاهش یابد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت بیشتر بودن تأثیر تغییرات شاخص فلاکت بر متوسط شادی در کشورهای ثروتمند نسبت به کشورهای فقیر قابل انتظار است. بر اساس یافته های حاصل شده دولت ها در گسترش سطح شادی در جامعه نقش قابل توجه و غیر قابل انکاری دارند. بنابراین، باید برای گسترش شادی همواره سعی در بهبود خدمات عمومی داشته باشند. همچنین، لازم است دولت ها در کنار بهبود خدمات عمومی به افزایش ثبات سیاسی در کشور خود اهتمام نمایند.

1. بطور کلی در حال حاضر صرف اندازه دولت چه کوچک و چه بزرگ، بیانگر خوبی و یا بدی آن نمی باشد بلکه اندازه دولت به همراه قیدهای بهبود نهادی، حکمرانی خوب، حکمرانی بد، دولت بهینه، دولت توسعه خواه و مانند آن اهمیت اساسی دارد (دادگر 1397).

همچنین نباید اهمیت نقش افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی نیز نادیده گرفته شود. در ضمن حکومت‌ها باید در اصلاح روش هزینه‌های خود هم کوشش کنند، زیرا صرف افزایش هزینه‌های دولت منجر به افزایش سطح شادی نمی‌شود بلکه نحوه هزینه‌ها است که گسترش شادی را به همراه دارد. این که در نظریه‌های اقتصاد بخش عمومی بر دولت خوب، دولت منضبط و کارآمد، دولت توسعه خواه و مانند آن تأکید می‌شود همین موضوع است. در نهایت، با توجه به این که کیفیت حکمرانی ایران در تمامی شاخص‌ها وضع نامناسبی نسبت به کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد، در نتیجه اصلاح ابعاد حکمرانی چه از جنبه‌های تکنیکال و چه از ابعاد دموکراتیک و همچنین بهبود رشد اقتصادی برای کارسازی نقش درآمد بر شادی باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- Dadgar, Y., & Nazari, R. (2017). The impact of economic growth on misery index on Iranian economy, *Economic Journal of Law and Economics*, 45(7), 175-193.
- Ebrahimi S. (2012). The Effect of Capital Inflow on Real Exchange Rate in Developing Countries. *Journal of Economic Modeling Research*, 2 (7), 1-26 (In Persian).
- Jeylari Aghdam, J., Daghighiasli, A. R., Daman Kashide, M., & Asmailzadh Magari, A. (2020). The Long-Run Relationship between External Government Debt and Economic Growth in Developing Countries with Upper Middle Income Level (Panel Co-Integration Approach). *Journal of Economic Modeling Research*, 10(40), 159-183 (In Persian).
- Ouardighi, J. E., & Munier, F. (2019). Inflation, Unemployment and Happiness: empirical evidences of the contribution of Economic Growth. *Bureau d'Economie Théorique et Appliquée, UDS, Strasbourg*.
- Ravallion, M., & Lokshin, M. (2000). Identifying welfare effects from subjective questions. *Economica*, 68(271), 335-357.
- Abounoori, E., & Eskandari, J. (2016). Comparing the effects of unemployment and inflation on happiness. *The Journal of Economic Policy*, 8(15), 137-152 (In Persian).
- Afshari, Z., & Dahmardeh, L. (2015). The Impact of Poverty, Income Inequality and Human Development Index on Happiness. A Panel Data Approach. *Economic Development Policy*, 2(4), 31-59 (In Persian).
- Ali, M. S. B., & Sassi, S. (2016). The corruption-inflation nexus: evidence from developed and developing countries. *The BE Journal of Macroeconomics*, 16(1), 125-144.
- Alois, P. (2014). Income inequality and happiness: is there a relationship? (No. 614). LIS, WP Series.
- Arshed, N., Arif, A., Abbas, R. Z., & Hameed, K. (2021). Comparing quality of institutions with happiness of Asian people. *Estudios de economía aplicada*, 39(2), 12.
- Bjørnskov, C., Dreher, A., & Fischer, J. A. (2006). The bigger the better? Evidence of the effect of government size on life satisfaction around the world. *Public Choice*, 130(3-4), 267-292.
- Bjørnskov, C., Dreher, A., & Fischer, J. A. (2010). Formal institutions and subjective well-being: Revisiting the cross-country evidence. *European Journal of Political Economy*, 26(4), 419-430.
- Blanchflower, D. G., Bell, D. N., Montagnoli, A., & Moro, M. (2013). The effects of macroeconomic shocks on well-being., *University of Stirling press*.

- Blanchflower, D. G., Bell, D. N., Montagnoli, A., & Moro, M. (2014). The happiness trade-off between unemployment and inflation. *Journal of Money, Credit and Banking*, 46(S2), 117-141.
- Böckerman, P., & Ilmakunnas, P. (2004). Elusive effects of unemployment on happiness. *Social Indicators Research*, 79(1), 159-169.
- Bolle, F., Okhrin, Y., & Vogel, C. (2009). A note on interdependent happiness. *The Journal of Socio-Economics*, 38(5), 713-721.
- Cantril, H. (1965). *The pattern of human concerns*. New York, USA: New Brunswick.
- Clark, A. E., & Oswald, A. J. (1994). Unhappiness and unemployment. *The Economic Journal*, 104(424), 648-659.
- Clark, A. E., Frijters, P., & Shields, M. A. (2008). Relative income, happiness, and utility: An explanation for the Easterlin paradox and other puzzles. *Journal of Economic literature*, 46(1), 95-144.
- Dadgar, Y. (2018). *Public sector economics*. Fourth edition. Mofid University Publisher (In Persian).
- Dadgar, Y., & Nazari, R. (2017). The impact of good governance on environmental pollution in South West Asian Countries. *Iranian Journal of economic studies*, 5(1), 49-63.
- Debnath, R. M., & Shankar, R. (2014). Does good governance enhance happiness: A cross nation study, *Social indicators research*, 116(1), 235-253.
- Di Tella, R., & MacCulloch, R. (2008). Gross national happiness as an answer to the Easterlin Paradox? *Journal of Development Economics*, 86(1), 22-42.
- Di Tella, R., MacCulloch, R. J., & Oswald, A. J. (2000). Preferences over inflation and unemployment: Evidence from surveys of happiness. *American economic review*, 91(1), 335-341.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological bulletin*, 125(2), 276.
- Dorn, D., Fischer, J. A., Kirchgässner, G., & Sousa-Poza, A. (2007). Is it culture or democracy? The impact of democracy and culture on happiness. *Social Indicators Research*, 82(3), 505-526.
- Duncan, G. (2008). Should happiness-maximization be the goal of government? *Journal of happiness Studies*, 11(2), 163-178.
- Easterlin, R. A. (1974). Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence. In *Nations and households in economic growth*. Academic Press.
- Easterlin, R. A. (2003). Explaining happiness. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 100(19), 11176-11183.
- Easterlin, R. A., McVey, L. A., Switek, M., Sawangfa, O., & Zweig, J. S. (2010). The happiness-income paradox revisited. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 107(52), 22463-22468.

- Ferrer-i-Carbonell, A., & Ramos, X. (2013). Inequality and happiness. *Journal of Economic Surveys*, 28(5), 1016-1027.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2000). Happiness, economy and institutions. *The Economic Journal*, 110(466), 918-938.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2002). What can economists learn from happiness research? *Journal of Economic literature*, 40(2), 402-435.
- Hayo, B. (2007). Happiness in transition: An empirical study on Eastern Europe. *Economic Systems*, 31(2), 204-221.
- Headey, B., & Wearing, A. (1992). *Understanding happiness: A theory of subjective well-being*. Melbourne, Australia: Longman Cheshire Pty Limited.
- Helliwell, J. F., & Huang, H. (2008). How's your government? International evidence linking good government and well-being. *British Journal of Political Science*, 38(4), 595-619.
- Helliwell, J. F., & Huang, H. (2014). New measures of the costs of unemployment: Evidence from the subjective well-being of 3.3 million Americans. *Economic Inquiry*, 52(4), 1485-1502.
- Helliwell, J. F., Huang, H., & Wang, S. (2020). Happiness and the Quality of Government. *National Bureau of Economic Research* (No. w26840)
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., & Wang, S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4), 1332-1346.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Wang, S., & Norton, M. (2020). The social foundations of world happiness. *World Happiness Report 2020*.
- Hsiao, Cheng. (2003). *Analysis of panel data*, 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Huang, C. J. (2016). The impact of governance on happiness: Evidence from quantile regressions. *World Academy of Science, Engineering and Technology, International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering*, 10(7), 2539-2542.
- Kahneman, D., & Krueger, A. B. (2006). Developments in the measurement of subjective well-being. *Journal of Economic perspectives*, 20(1), 3-24.
- Kalirajan, K. P. (1992). Modeling earnings distorting government intervention: The case of Singapore's managerial earnings. *Journal of Comparative Economics*, 16(1), 105-117.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2008). Governance matters VII: Aggregate and individual governance indicators, 1996-2007. *World Bank policy research*, WP (4654).
- Kenny, C. (1999). Does growth cause happiness, or does happiness cause growth? *Kyklos*, 52(1), 3-25.

- Khorsandi, M., & Alibabaei, N. (2016). Is unemployment costly or inflation? Comparing the effects of unemployment and inflation on happiness. *Economic Research Journal*, (68), 1-24 (In Persian).
- Khorsandi, M., & Azizi, Z. (2015). Estimating the Threshold Effect of Unemployment on Happiness. *Economic Development Policy*, 3(2), 59-79 (In Persian).
- Luhmann, M., Hofmann, W., Eid, M., & Lucas, R. E. (2012). Subjective well-being and adaptation to life events: a meta-analysis. *Journal of personality and social psychology*, 102(3), 592.
- Meidari A. Introduction to Good Governance Theory. *refahj*. 2006; 6 (22) :261-0 (In Persian).
- Mohamadzadeh, P., Asgharpur, H., & Maniee, O. (2013). The effect of income on labor force happiness in Iran (In Persian).
- Mohammadinmansor, S., Golkhandan, A., Khansari, M., & Golkhandan, D. (2016). An analysis of socio-economic factors affecting happiness (an econometric analysis with regard to religious restrictions). *Social Development & Welfare Planning*, 7(25), 125-163 (In Persian).
- Nili, F., & Babazadeh Khorasani, B. (2013). Identification of Factors Affecting Subjective Welfare in Iran Monetary & Banking Research (In Persian).
- Nili, F., Babazadeh Khorasani, B., & Shadkar, M. S. (2015). Analyzing Dependency of Subjective Well-being in Developing Countries to Macroeconomic Factors. *Journal of Economic Research (Tahghighat-E-Eghtesadi)*, 50(1), 21-48 (In Persian).
- Ochsen, C., & Welsch, H. (2011). The social costs of unemployment: accounting for unemployment duration. *Applied Economics*, 43(27), 3999-4005.
- Oswald, A. J. (1997). Happiness and economic performance. *The economic journal*, 107(445), 1815-1831.
- Ott, J. C. (2009). Good governance and happiness in nations: Technical quality precedes democracy and quality beats size. *Journal of Happiness Studies*, 11(3), 353-368.
- Ott, J. C. (2010). Government and happiness in 130 nations: Good governance fosters higher level and more equality of happiness. *Social indicators research*, 102(1), 3-22.
- Roy, D. S., & Samanta, D. (2010). Good governance and employment generation through NREGA: A case study of Gram Panchayat in West Bengal. In Conference on "Infrastructure, Finance and Governance: Push for Growth, Organized by Ministry of Rural Development, GOI.
- Ruprah, I. J., & Luengas, P. (2011). Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 59-66

- Ruprah, I. J., & Luengas, P. (2011). Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 59-66.
- Sanfey, P., & Teksoz, U. (2005). Does transition make you happy? *Economics of Transition*, 15(4), 707-731.
- Sassi, S., & Gasmi, A. (2017). The Dynamic Relationship between Corruption—Inflation: Evidence from Panel Vector Autoregression. *The Japanese Economic Review*, 68(4), 458-469.
- Sinn, H. W. (1986). Vacant land and the role of government intervention. *Regional Science and Urban Economics*, 16(3), 353-385.
- Veenhoven, R. (2000). The four qualities of life. *Journal of happiness studies*, 1(1), 1-39.
- Veenhoven, R. (2004). Happiness as an aim in public policy: The greatest happiness principle, Erasmus University Rotterdam Press.
- Veenhoven, R., Ehrhardt, J., Ho, M. S. D., & de Vries, A. (1993). Happiness in nations: Subjective appreciation of life in 56 nations 1946–1992. Erasmus University Rotterdam Press.
- Woo, C. (2018). Good governance and happiness: Does technical quality of governance lead to happiness universally in both rich and poor countries? *Journal of International and Area Studies*, 25(1), 37-56.
- Wood, A. (2005). *Demystifying Good Governance: An overview of World Bank Governance Reforms and Conditions*. Dublin: Trocaire publishing.

Impact of Good Governance Quality and Income upon Happiness in Selected Countries

Yadollah Dadgar¹, Hojat Eizadkhasti², Seyed Mohammad Seyedi³

Received: 2021/03/15 Accepted: 2021/02/28

Abstract

The change of theoretical base in the area of welfare economy and due to economic evolution along time, in recent decades happiness has been considered as an important index for measuring welfare in individual and social levels along with other initial proxies such as wealth, consumption, gross domestic production. This particularly has attracted many economists attention such that they investigate the impact of economic variables on happiness. Government is an unclear and effective factor over nations happiness. Because government functions in expanding happiness through two channels. Direct channel and indirect channel. Therefore, the impact of governance over happiness increase is significant. This study is using panel data for investigating the impact of governance over happiness. Six Kaufmann governance indices has been used for assessing 112 nations governance in time period of (2006-2019). These six indices have been divided into two sub-index technical quality and democratic quality and has been evaluated by three equations. Also the sample was divided in two groups and the impact of governance on happiness was studied carefully. Income variable along with two control variables government expenditures and misery index were added to the function. These study findings indicate that there is a positive relationship between increase in income, governance improvement and happiness expansion. The effectiveness of governance quality in parallel with increasing happiness is considerable to democracy quality. This result is confirmed in all poor and rich nations, and its impact on poor nations is more than the rich ones. Income has significant direct effect on expanding happiness. Income coefficients are positive in each 3 group and for the poor is greater than the rich. Two control variables government expenses and misery index in all countries have positive and negative relationship with happiness respectively. The existent relationship holds for rich nations, but the coefficient of government expenses for poor nations is negative. On this basis, it can be said that governments have a

1. Professor of Economics, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: y_dadgar@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor of Economics, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: h_izadkhasti@sbu.ac.ir

3. MS of Economics, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Email: s.seyedi@mail.sbu.ac.ir

significant and undeniable role in promoting the level of happiness in society by improving the quality of governance and reducing the misery index in the economy. Also the significance of gross domestic production and economic growth should not be ignored.

Keywords: Happiness, Good Governance, Technical Quality, Democratic Quality, Income.

JEL Classification: C23, I38, I30.